

بررسی پیشینه تاریخی مطالعات قرآنی و جایگاه قرآن نزد علویان ترکیه

امیر جهانی فرد^۱

سرحدات آکتاش^۲

محمد قربانپور دلاور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰، صفحه ۵۹ تا ۷۷ (مقاله پژوهشی)

چکیده

تاریخ علویان ترکیه با فرهنگ و ادبیات بکتاشی و قزلباش، پیوندی عمیق دارد و از عادات و رسوم ترکمن‌ها نیز تأثیر پذیرفته است. توصیه‌های رسیده از حاجی بکتاش‌ولی، عموماً مستند به آیات و روایات می‌باشد. همچنین توصیه به قرآن کریم که آئین نامه زندگی یک مسلمان است در کلمات بزرگان علوی، فراوان دیده می‌شود. منابع تاریخی و نصوص علویان اعم از کتب دینی و ولایت‌نامه‌ها و مناقب‌نویسی شیوخ علوی و بکتاشی، آکنده از معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام است. لذا علویان عمل به دستورات قرآن را چه از نظر اخلاقی و چه از نظر اعتقادی، ضروری می‌دانند. در سیر تحولات و تطورات تاریخی علویان می‌شود دید که آن‌ها به تفسیر قرآن نیز پرداخته‌اند و در سخنان خود از آیات به‌عنوان شاهد مثال، استفاده می‌کنند. هرچند گرفتاری‌های تاریخی علویان با حکومت‌های محلی، باعث شده است که آنها، افکار واقعی خود را مخفی بدارند و مخالفین‌شان نیز تا توانسته‌اند انواع تهمت‌ها و تحریف‌ها را در حق ایشان روا بدارند، اما اعتقاد به قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان و قبول داشتن همه آیات قرآن و فرامین آن، و هر آنچه در سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است، مورد قبول علویان می‌باشد. این تحقیق که به صورت مطالعات کتابخانه و میدانی با روش توصیفی و تحلیلی تهیه گردیده است در صدد بازشناسی باورهای قرآنی علویان ترکیه در منابع تاریخی و با بهره‌گیری از نصوص و متون ایشان، می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: علویان، بکتاشیان، کتب تاریخی، منابع دینی، قرآن، تفسیر، تطورات و تحولات.

۱. استاد حوزه علمیه قم: mrjahani197@yahoo.com

۲. دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه اینونو ترکیه؛ و دانشجوی دکتری تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه،

پژوهشگر مرکز پژوهشی بین‌المللی امام مبین (نویسنده مسئول): serhat14aktas@mobinac.ir

۳. دکتری شیعه‌شناسی، مدیر و عضو هیات علمی مرکز پژوهشی بین‌المللی امام مبین:

ghorbanpour@mobinac.ir

درآمد

یکی از مسائل مهم ترکیه در عصر حاضر، مسئله علویان است. با وجود اختلافات شدید میان صاحب‌نظران، تشخیص واقعیت ماهیت این گروه برای برخی پیچیده و دشوار شده است. برخی علویان را جلوه‌ای از اسلام آناتولی، برخی دیگر آن‌ها را به عنوان یک ساختار فرهنگی خاص، و عده‌ای نیز به عنوان دینی مستقل و متفاوت از اسلام معرفی می‌کنند. با توجه به این دیدگاه‌های متنوع، آگاهی از نگرش علویان نسبت به قرآن، می‌تواند در تشخیص هویت علویان و بکتاشیان ترکیه و شناخت ساختار فکری، اعتقادی و ارزشی آنان کمک شایانی به ما بکند. اعتقاد به قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی همه مسلمانان و قبول داشتن همه آیات قرآن و فرامین آن، در هر زمان و مکانی، همچنین مسئله توحید و نبوت و معاد و هر آنچه در قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است، همه مورد قبول علویان می‌باشد. به نظر علویان درک صحیح قرآن تنها از طریق پیغمبر و اهل بیت او و شماری از اصحاب نزدیک وی امکان دارد. (Yaman, 1993, s. 77) هدف این نوشته، با استفاده از منابع معتبر علویان ترکیه و بیانات بزرگان علوی و بکتاشی، بررسی دیدگاه آن‌ها نسبت به قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان و معرفی نگرش‌شان به این کتاب است. با این رویکرد می‌توان چارچوب اعتقادی و ارزشی آنان را روشن‌تر کرد و نشان داد که علویان ترکیه، مانند دیگر فرقه‌های اسلامی، در محدوده‌ی دین مبین اسلام قرار دارند.

تطورات و تحولات تاریخی علویان و بکتاشیان ترکیه

واژه «علوی» در لغت به معنای «منسوب به علی»، «پیرو علی»، «دوست‌دار علی»، و «وابسته به علی» است. در اصطلاح، به کسانی علوی گفته می‌شود که حضرت علی را برترین صحابه، نزدیک‌ترین شخص به پیامبر و خلیفه بلافصل ایشان می‌دانند و انتصاب او را به عنوان خلیفه به دستور خداوند قبول دارند. همچنین، افرادی که دوازده امام را به عنوان حجت‌های خداوند می‌پذیرند و آن‌ها را از هر عیب و نقصی مبرا و معصوم می‌دانند، علوی یا شیعه نامیده می‌شوند. (Fıglalı, 2004, s. 239)

به گفته یکی از محققان، جریان علوی در ترکیه با فرهنگ و ادبیات بکتاشی درآمیخته و از عادات و رسوم ترکمن‌ها تأثیر پذیرفته است. بکتاشی‌گری، فرقه‌ای تصوفی است که از جریان «ملاطیه» سرچشمه گرفته و آموزه‌های شمانیز، حروفی‌گری، باطنی‌گری و شیعه را در خود ترکیب کرده و به این ترتیب، جریانی جدید پدید آورده است (Fıglalı, 1991, s. 215)

می‌توان گفت درآویش در آسیای میانه نقش قابل توجهی در گرایش قبایل ترک به دین اسلام داشته‌اند. گروه‌های تبلیغی به نام صوفیان یا درآویش سیاح، در میان قبایل عشایر و کوچ‌نشین حرکت

کرده و اسلام را به آن‌ها معرفی می‌کردند. مذهب هر قبیله براساس مذهب درویش تبلیغ‌گر تعیین می‌شد؛ به این صورت که اگر درویش سنی بود، قبیله به مذهب سنی درمی‌آمد و اگر شیعه بود، قبیله مذهب شیعه را اختیار می‌کرد. (Sofuoğlu, Cemal; İLHAN, Avni, 2005, s. 86-87)

پس از نبرد ملازگرد در سال ۱۰۷۱ میلادی که بین سلجوقیان و امپراتوری بیزانس رخ داد، لشکر بیزانس به شدت شکست خورد. پس از این واقعه، ترک‌ها به آناتولی حمله کردند. بیشتر آن‌ها مسلمانان حنفی بودند، اما تعدادی از قبایلی که به واسطه درویش شیعه شده بودند نیز در میان آن‌ها وجود داشتند. (Sofuoğlu, Cemal; İLHAN, Avni, 2005, s. 88-89)

تمایل به تشیع و عشق به حضرت علی علیه السلام در میان این قبایل به وضوح نمایان بود. از این طریق می‌توان گفت که اقوام مختلف با گرایش‌های متفاوت، از جمله گرایش به تشیع، نقش اساسی در مسلمان شدن آناتولی ایفا کردند. یکی از طریقت‌های با نفوذ در آناتولی که مردم را به اسلام دعوت می‌کرد، طریقت قلندریه بود. پیر سلطان ابدال، مشهورترین چهره این طریقت به شمار می‌آید. می‌توان گفت که این طریقت تصوفی مانند دیگر جریان‌های تصوف، به ظواهر دینی چندان توجه نمی‌کرد. شاید این امر به دلیل ارتباط آن‌ها هم با مذهب حنفی سنی و هم با مذهب شیعی شاه اسماعیل بود. با گذشت زمان، فرهنگ آناتولی نیز بر این طریقت تأثیر گذاشت و آن‌ها به تدریج به یک گرایش جدید تبدیل شدند. (Sofuoğlu, Cemal; İLHAN, Avni, 2005, s. 94-95)

می‌توان گفت که علویان از قرن دهم هجری با مسلمان شدن ترکان آناتولی و تأثیرپذیری از آیین‌های قدیمی آن‌ها و دین اسلام شکل گرفتند. گرایشات تصوفی مانند احمد یسوی، وفائی، قلندری و حیدری، به تدریج به شکل یک جریان تصوفی منسجم در آمدند. (Üzüm, İlyas, 2002, s. 11)

با این حال، با توجه به اشتراکات موجود در آثار ادبی و مناقب بزرگان، در راستای گرایش به تصوف و محبت اهل بیت، می‌توان گفت که علویان و بکتاشیان صاحب یک روح و جوهره مشترک هستند. (Üzüm, 2002, s. 131-133)

تأثیر شعائر دینی مکتب تشیع در میان علویان به وضوح دیده می‌شود. به عنوان نمونه، آن‌ها حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام اول و اولین خلیفه پیامبر می‌پذیرند و این را در شهادتین خود تحت عنوان «علی ولی الله» ذکر می‌کنند. اعتقاد به دوازده امام و چهارده معصوم در نمادهای دینی آن‌ها نمایان است. عزاداری و نوحه‌خوانی در ماه محرم، اعتقاد قلبی به تولی و تبری و همچنین تقیه از جمله ویژگی‌هایی است که علویان ترکیه از شیعه به ارث برده‌اند. (Üzüm, 2002, s. 126)

هرچند در اصول اعتقادی علویان با شیعه مشترک است، اما برخی به جای اینکه علویان را به عنوان شیعه معرفی کنند، اصطلاح «تأثیرپذیری علویان از شیعه» را به کار برده‌اند. (Ocak, Ahmet Yaşar, 2005, s. 375)

این که امامت به معنای ریاست حکومت است یا به معنای مرشد و راهنمای معنوی، موضوعی است که برخی شبهاتی در این باره مطرح کرده‌اند. با این حال، با توجه به محتوای دو کتاب مهم علویان به نام‌های «حسنیه» و «علم حال بکناشی»، می‌توان گفت که امامت در این متون به معنای خلافت سیاسی است تا مرشد معنوی. (Kutlu, Sönmez, 2008, s. 58)

در برخی از اشعار علویان بکناشی، نسبت به مهدویت و عصمت ائمه بی‌توجهی مشاهده می‌شود و در برخی موارد نیز از خلفای چهارگانه تعریف و تمجید به میان آمده است. این موضوع نشان‌دهنده تفاوت‌هایی در نگرش‌های دینی و معنوی در میان جریان‌های مختلف علویان و بکناشیان است که در آثار ادبی و اشعار آنان انعکاس یافته است. (A. Rifat Efendi, 2007, s. 121)

به طور کلی می‌توان گفت که علویان، چه قزلباش و چه بکناشی، در اصول اعتقادی شباهت‌های زیادی به شیعه دارند و این را می‌توان تأثیرپذیری از شیعه دانست. با این حال، باید علویان را به عنوان جریان‌ی منشعب از بدنه شیعه در نظر گرفت که با مرور زمان تحت تأثیر جریانات تصوفی قرار گرفته‌اند. این روند باعث شکل‌گیری ویژگی‌های خاص دینی و فرهنگی در میان علویان شد که آنها را از دیگر جریان‌های شیعی متمایز می‌کند. در کتاب «علم حال علوی» پیرامون علوی‌گری آمده است:

علوی: «علوی کسی است که در راه امانتی که به آخرین پیغمبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله گذاشته است که همان قرآن و اهل بیت علیهم السلام است با عشق عمیق و با وابستگی خلال ناپذیر، سالک اهل راه است. علوی کسی است که به امام علی علیه السلام که در باره او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «تو در دنیا و آخرت برادر من هستی» از صمیم قلب وابسته است و کسی است که می‌خواهد خویشتن را شبیه او سازد. علوی مؤمن کاملی است که با معنای امامت و ولایت به کمال رسیده است. علوی کسی است که به حبل الله که قرآن کریم است و به چهارده معصوم علیهم‌السلام قلباً و قولاً و عملاً، محکم تمسک کرده است. علوی کسی است که از نور محمد صلی الله علیه و آله و از نور علی علیه السلام نصیب یافته است. علوی کسی است که در میان خلق، حق را و در میان راه، راه را و در میان جان، جان را پیدا کرده است. علوی کسی است که کلمه «لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ولی الله» را قلباً و

قولاً و عملاً تصدیق کرده و عملش را براساس این کلمه، انجام دهنده است.» (Bozkurt, 1982, s. 7)

«علوی گری از یک مجموعه اوامر و نواهی تشکیل یافته است که در تمام زندگی، خودشان را نشان می‌دهد. و این مجموعه که منبعث از قرآن است به واسطه جبرائیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی شده، اهل بیت علیهم السلام را در همه امور برای خود رهبر می‌داند و در زندگی بر اساس عقل همیشه هماهنگ است.» (Özdemir, 1998, s. 39)

معرفی بعضی از منابع علویان بکتاشی

یکی از اشکالاتی که بر علویان وارد می‌کنند، نداشتن متون مخصوص این گروه است. می‌گویند علویان متون مکتوب قوی و قدیم ندارند و آموزه‌های آن‌ها همه شفاهی است. با آن تاریخ سراسر دشواری، بدبختی، قتل و خونریزی که در حق علویان روا داشته شده است آیا امکان حفظ آثار مکتوب باقی می‌ماند؟ گذشته از این که آثار اصلی و مقدس اینان همان قرآن کریم و نهج البلاغه و ادعیه ائمه اطهار و احادیث نبوی و احادیث معصومین علیهم السلام است که توسط دیگران حفظ شده و برای اینان نیز قابل دسترسی است. آنچه از بین رفته است آثار مکتوب عرفانی و اخلاقی درون گروهی است که بود و نبودش چندان اهمیتی ندارد. زیرا اگر آثار حاجی بکتاش ولی کاملاً حفظ نشده است، آثار عارفان معاصر او در بلاد دیگر یا در همان منطقه مانند آثار مولوی، صدرالدین قونوی، عطار و ... حفظ شده است که در کلیات عرفانی همه مشترک هستند. (قادری، ۱۳۹۴، ص. ۷) یکی از ویژگی‌های شیوخ علویان بکتاشی، مناقب‌نویسی است. این سنت دیرینه هم از نظر شناخت اعتقادات آنان و هم به عنوان راهنمایی برای پیروان این گرایش بسیار اهمیت دارد. در ولایت‌نامه‌هایی که به تحریر درآمده، سرفصل‌هایی همچون زندگی‌نامه شیخ طریقت، مقام معنوی و کرامات ایشان، و در کنار آن، توصیه‌ها و راهنمایی‌های معنوی ایشان آمده است.

بعضی از مهم‌ترین منابع علویان بکتاشی عبارتند از:

۱. فرمان امام جعفر صادق (buyruk) این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول به تاریخ قدسی و بخش دوم به آموزه‌های علوی می‌پردازد. در این کتاب از پیامبر، اهل بیت و برخی از صحابه داستان‌هایی نقل شده است و دشمنان آن‌ها، به ویژه یزید بن معاویه، لعن شده‌اند. همچنین این کتاب به روش عبادت و بیان مقامات معنوی عرفا و صوفیان علویان بکتاشی پرداخته است.
۲. ولایت‌نامه و مناقب‌نامه حاج بکتاش ولی: برای علویان بکتاشی، مهم‌ترین شخصیت بعد از پیامبر و ائمه معصومین، حاج بکتاش ولی است (متوفی ۶۶۹). به دلیل اینکه سید بودن در پیر طریقت شرط اصلی است، نسب حاج بکتاش ولی نیز از طریق امام هفتم به پیامبر می‌رسد. ولایت‌نامه حاج

بکتاش ولی که به مناقب‌نامه نیز شناخته می‌شود، بیشتر به زندگی ایشان و هجرت از خراسان به آناتولی پرداخته است. مقالات ایشان از آثار مهم علویان به شمار می‌آید و در آن‌ها به موضوعاتی چون خلقت انسان، مراتب بندگان، دوستداران خداوند، معرفی شیطان، مقامات معنوی مانند شریعت، طریقت، معرفت، حقیقت و توحید بحث شده است. از دیگر آثار ایشان می‌توان به کتاب‌های *الفوائد*، شرح *بسم الله*، *شطحیه*، *مقالات الغیبه*، *کلمات العینیه*، شرح *چهل حدیث و عقاید طریقت* اشاره کرد.

۳. **ولایت‌نامه حاجی‌ام سلطان**: نام اصلی او رجب سلطان است که از فرزندان امام نقی علیه السلام بوده و با حاج بکتاش ولی به آناتولی آمده است. برخی او را خلیفه حاج بکتاش ولی می‌دانند.

۴. **ولایت‌نامه ابدال موسی**: ایشان در قرن هشتم زندگی می‌کرده و در اوایل حکومت عثمانی، معاصر با اورخان گازی یکی از خلفای عثمانی بوده است.

۵. **ولایت‌نامه سید علی سلطان**: سید علی سلطان در قرن هشتم زندگی می‌کرده و در بین علویان با لقب "قزل دلی" (یعنی دیوانه سرخ) مشهور است.

۶. **فرمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی**: این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع اعتقادی علویان بکتاشی است. نویسنده در قرن هفتم و هشتم زندگی کرده و در زمان حکومت شاه طهماسب صفوی کتاب را به نگارش درآورده است. کتاب مطالب اعتقادی، نام دوازده امام، ارکان طریقت و چگونگی مراسم‌های تصوفی را بیان می‌کند.

۷. **حسنیه**: یکی از کتاب‌هایی که علویان به آن علاقه زیادی دارند، کتاب "حسنیه" است. این کتاب مباحث اعتقادی را که موافق مکتب تشیع است، به طور مناظره و جدل بیان می‌کند. حسنیه نام یکی از زنان مومن است که کنیز یکی از شیعیان بوده و پیش امام کاظم علیه السلام تعلیم دیده است. پس از شهادت امام کاظم علیه السلام به دربار هارون رشید می‌رود و با علمای اهل سنت بحث و مناظره می‌کند و بر همه غالب می‌آید.

قرآن کریم نزد علویان ترکیه

قرآن کتاب مقدس مسلمانان است و همه مسلمانان، از جمله علویان، به قرآن احترام زیادی می‌گذارند. آن‌ها به این باورند که به همه کتاب‌های آسمانی، از جمله قرآن که دستورات خداوند را بیان کرده است، ایمان دارند و طبق آن زندگی می‌کنند. بزرگان علویان بکتاشی در ترکیه از ادبیات خاصی برخوردارند که می‌توان گفت تمام این ادبیات، یک ادبیات دینی است و منشأ آن قرآن است. آن‌ها قرآن را کتابی غیرقابل تحریف می‌دانند و معتقدند که دست بشر به آن نرسیده و نخواهد رسید. همچنین، علویان قرآن را کتابی می‌دانند که از طرف خداوند به پیامبر گرامی نازل شده است و

دستورات آن را لازم الاجرا و مناهی آن را لازم الترتک تلقی می‌کنند. (Kutlu, 2008, s. 162) می‌توان گفت سخنان بزرگان علوی و بکتاشی از قرآن و احادیث پیامبر و ائمه نشأت گرفته است.

(Varlık, 1997, s. 70)

اعتقاد به قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی همه مسلمانان و قبول داشتن همه آیات قرآن و فرامین آن، در هر زمان و مکانی، همچنین مسئله توحید و نبوت و معاد و هر آنچه در قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است، همه مورد قبول علویان می‌باشد. به نظر علویان درک صحیح قرآن تنها از طریق پیغمبر و اهل بیت او و شماری از اصحاب نزدیک وی امکان دارد. علویان در تمامی مراسم خود، با سپر قرار دادن قرآن، از منافع خود در مقابل تسنن دفاع می‌کنند. علویان در مباحثه‌ها و مناظرات از قرآن نیز دلیل و برهان می‌آورند. (Yaman, 1993, s. 77)

بدون شک اولین توجه علویان به قرآن سخن حضرت علی علیه السلام است که طبق نقل در دیوان منسوب به حضرت علی چنین آمده است: «بیا در مورد خواندن قرآن سعی و تلاش کن، بین کسانی زندگی کن که با اعمال و رفتارهای خودشان زندگی‌شان را با قرآن تطبیق داده‌اند و به مقام انسان کامل رسیده‌اند. قرآن را با صدای زیبا خواندن و در معنای عمیق آن تفکر کردن، انسان را به خوشبختی می‌رساند. اگر کسی قرآن را با شوق بخواند و در آن مست شود، به آرزوی خود که قرب خداوند است می‌رسد». (Müstakimzade, 1981, s. 52-53) روایات متعددی شبیه این روایت در بین دراویش علوی از حضرت علی علیه السلام نقل می‌شود و برای کسی که خود را پیرو حضرت علی می‌داند، امکان ندارد که از قرآن استفاده نکند و در مورد آیات قرآن تفکر نکند.

(Eğri, 2003, s. 153)

همچنین قرائت بعضی آیات قرآن در مراسمات علویان بکتاشی، خصوصاً در مراسم "جمع"، که به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است، از جمله اقرار، سوال و جواب، قبول عهد و... آیات متعدد قرآن قرائت می‌شود تا مراسم با متبرک شدن به آیات قرآنی خاتمه یابد. در ادامه، با آیات قرآن موعظه می‌شود و بعضی جاها تفاسیر باطنی قرآن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. همه این موارد نشان‌دهنده این است که قرآن در باطن فرهنگ علویان بکتاشی رسوخ پیدا کرده و نمایانگر توجه عمیق علویان بکتاشی به قرآن است. (Uluçay, 1996, s. 9-10)

۴. علویان در طول تاریخ، تحت فشارهای مختلف از سوی حکومت‌های عثمانی و مخالفین مذهبی خود قرار داشته‌اند. این فشارها باعث شده است که علویان امکان اجرای مراسم مذهبی خود را به صورت آشکار نداشته باشند و بسیاری از عبادات خود را در جمع‌خانه‌ها یا مکان‌های مخفیانه انجام دهند.

پیر و مراد علویان بکتاشی، حاج بکتاش ولی، در ولایت‌نامه خود نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام با رسول خدا به شکل افراد نورانی می‌آمدند و به من قرآن تعلیم می‌دادند. (Gölpınarlı, 1958, s. 5) به این دلیل، حاج بکتاش ولی زمانی که می‌خواست از این دنیا برود، اول سوره یاسین را خواند و بعد از آن جان داد. (Gölpınarlı, 1958, s. 90) همچنین توجه حاج بکتاش ولی به قرآن آن‌چنان عمیق بود که شروع به تفسیر سوره فاتحه کرد و مریدهای آن پیر طریقت اصرار کردند که این تفسیر را ادامه دهد و همه قرآن را طبق روش سوره فاتحه تفسیر کند تا مریدان ایشان از تفسیر تمام قرآن استفاده کنند. اما او قبول نکرد و در جواب اصرار مریدهای خود چنین گفت: «اگر من قرآن را تفسیر کنم، مریدان به جای قرآن، تفسیر مرا خواهند خواند و این باعث ترک قرائت قرآن خواهد شد و من این را نمی‌خواهم. (Özcan, 2008, s. 43)

توجه حاج بکتاش ولی به قرآن در کتاب مقالاتش که در آن چهار درب و چهل مقام را توضیح می‌دهد، مشهود است. در تبیین این مقامات، گاهی از آیات قرآن به عنوان شاهد مثال استفاده می‌شود به‌طوری که در این کتاب بیش از صد آیه ذکر شده است. (Heyet, 1982, s. 32-33)

در کتاب بویریوک نیز به اهمیت قرآن چنین اشاره شده است: خداوند چهار کتاب آسمانی برای ما فرستاده است که عبارتند از: تورات، زبور، انجیل و قرآن. این کتاب‌ها مانند چهار نهر به سوی چهار چیز در جریان هستند: اولی آب زلال، دومی شیر سفید، سومی عسل مصفا و چهارمی کوثر است. همچنین در کتاب بویریوک به آیات متعددی، از جمله آیه دهم سوره فتح که در مورد بیعت به خدا و رسولش است، اشاره شده است. (Bozkurt, 1982, s. 98)

در ولایت‌نامه دمیر بابا که از شیوخ مشهور بکتاشیان است و قبرش در مرز بلغارستان و ترکیه فعلی واقع شده، در مورد قرآن چنین آمده است: ایمان سه نوع است: اول ایمان به خداوند، دوم ایمان به رسول خدا، و سوم ایمان به قرآن به عنوان کلام خداوند. (Noyan, 1976, s. 88) در این کتاب حدود پانزده آیه به صورت کامل ذکر شده است و نقل شده که دمیر بابا برای کسانی که فوت می‌کردند، یا سوره یاسین می‌خواند یا قرآن را ختم می‌کرد. (Noyan, 1976, s. 72, 73, 143, 154)

در مراسم تاج‌گذاری دراویش بکتاشی به آیات قرآن، خصوصاً به سوره فاتحه، توجه ویژه‌ای می‌شد که این نیز نشان‌دهنده ارتباط عمیق آنان با قرآن است. (Fehmi, 1927, s. 117)

شاه اسماعیل صفوی که از شیوخ بکتاشیان به شمار می‌آید و همه علویان بکتاشی به او احترام فراوانی می‌گذارند، در یکی از اشعارش چنین می‌گوید: «من کلام خدا را دوست دارم و از سوره یس مدد می‌جویم...» (Hata'i, 2006, s. 187) همچنین می‌گوید: «خدایا من خوابیده‌ام، مرا بیدار

کن و به نورها وارد کن، قرآن را همراه من قرار بده تا بتوانم با ایمان قیام کنم. » (Gölpınarlı, 1992, s. 157)

یکی از شعرای مشهور علویان ترکیه یونس/مره است که اشعار زیادی در تصوف سروده است. او در مورد قرآن می‌گوید: «ای درویش قرآن بخوان و مال حرام را ترک کن، زیرا این چیزها برای تو حساب فرشتگان منکر و نکیر را در قبر آسان خواهد کرد» (Yunus Emre, 1954, s. 96) در جای دیگر نیز می‌گوید: «قرآن بخوان ای غافل تا بدانی برهان دلیل، روز حشر که فرا می‌رسد عبور از پل صراط برایت آسان می‌شود. اگر کسی قرآن نخواند، مانند کسی است که اصلاً به دنیا نیامده است و به دردهایش درمان پیدا نکرده و از کردار خود پشیمان خواهد شد» (Yunus Emre, 1954, s. 96)

یکی از درویش خلوتیه نیازی مصری نیز در تعریف لذت بردن از قرائت قرآن چنین گفته است: «هر چه بخواهی از خداوند قرآن بخوان که آن هم دنیا است و هم آخرت. زیرا در هر حرف قرآن هزاران در است که در هیچ جا پیدا نمی‌شود. » (Niyazî Mîsrî, 1976, s. 20)

در آثار علویان بکتاشی معجزات و مناقب زیادی به درویش نسبت داده شده است. یکی از این داستان‌ها به این صورت است: روزی پادشاه مصر نابینا شد و از دکتر و دوا قطع امید کردند و در نهایت به درویش متوسل شدند. درویش آمدند و سوره حمد را خواندند و چشم پادشاه بینا شد. در این راستا برخی منابع نقل کرده‌اند که چهل درویش با هم می‌گشتند و هر کجا می‌رفتند قرآن را ختم می‌کردند و آن را به روح پیامبران و اولیای الهی هدیه می‌کردند. (Güzel, 1999, s. 53) در منابع علویان آمده است که مرشدها نسبت به طالبان و وظایف زیادی دارند که مهم‌ترین آنها رساندن آنها به رسول‌الله از طریق علی علیه‌السلام و رساندن آنها به خداوند از طریق قرآن است. (Eğri, 2003, s. 52)

می‌توان خصوصیات مشترک درویش علوی را چنین شمرد: از نظر آنها، قرآن کتابی است که بیشتر از دیگر کتاب‌ها خوانده می‌شود. عاشق فانی از طریق خواندن قرآن خداوند، پیامبر، انسان، دنیا و آخرت را می‌شناسد. درویش با قرآن به دستورات خداوند آگاهی پیدا می‌کند، اما برای اجرایی کردن این دستورات باید به پیامبر و علی علیهما‌السلام مراجعه کند، زیرا روش اجرای احکام خداوند را بهتر از آنها کسی دیگر نمی‌داند. (Eğri, 2003, s. 51)

اشعار یونس/مره به این اشاره دارد که اگر درویش زیاد قرآن بخواند، وجودش با قرآن عجین می‌شود. او با قرآن حرف می‌زند و با قرآن نگاه می‌کند. کسی که با قرآن محشور است، مانند قرآن شده است و در داخل قرآن زندگی می‌کند. (Yunus Emre, 1954, s. 127)

عاشق پاشایی ولی در مورد قرآن چنین شعر گفته است: عاشق با قرآن سر خوش است، او را از ته دل دوست دارد. اگر قرآن نبود، دین اسلام هم نبود. قرآن به درویش عشق را می‌آموزد، این عشق مانند بحر عمان است و من نمی‌خواهم کنار باشم، راهنمای من قرآن است و دانستن این سخت نیست» (Özmen, 1995, II, s. 499)

پیر سلطان ابدال در مورد آیه‌الکرسی چنین گفته است: «اگر ایمان بیاورند، همه کسانی که اصالت دارند باید روزانه پنج بار آیه‌الکرسی بخوانند.» (Korkmaz, 1994, s. 134) چنین پیر سلطان ابدال که علویان ترکیه به او محبت زیادی دارند، سوره اخلاص را به عنوان کلید قرآن معرفی می‌کند و چنین می‌گوید: «اگر استاد از من بپرسد، با اقرار به حقانیت علی و محمد می‌خوانم. کلید قرآن سوره اخلاص است، با عشق حسن و حسین می‌خوانم» بعضی از شیوخ علوی قرآن را وسیله شفای دردها می‌دانند. شیخ حسن در این باره چنین می‌گوید:

«در قرآن به همه دردها درمان پیدا می‌شود. با قرآن مشرک از مومن جدا می‌شود؛ چه کسی به نور و چه کسی به نار ملحق می‌شود. این چنین است فرق بین اعراف.» (Bozçalı, 2006, s. 112)

این مطالب که ذکر شد، تنها چند نمونه است که نگرش بزرگان و شیوخ علوی بکتاشی را نسبت به قرآن نشان می‌دهد. اما می‌توان گفت که کتاب‌های ادبی علویان بکتاشی پر است از تعریف و تمجید نسبت به قرآن کریم.

نظر علویان نسبت به نزول قرآن

در تاریخ اسلام، مخالفان شیعه برای متزلزل کردن موقعیت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، تهمت‌های ناروایی نسبت داده‌اند. یکی از این تهمت‌ها این است که گفته‌اند شیعه باور دارد پیامبر باید حضرت علی علیه‌السلام می‌شد، ولی جبرئیل اشتباهی یا نعوذ بالله از روی غرض آیات را به پیامبر نازل کرده است. این سخن سخیف و بی‌ریشه در برخی مناطق علوی‌نشین مطرح شده است، اما علویان ترکیه به هیچ‌وجه این سخن را قبول نداشته و می‌دانند که پیامبر اسلام همان کسی است که خداوند اراده کرده است و حضرت علی علیه‌السلام یار باوفای پیامبر است.

علویان در تمامی مراسم خود، با سپر قرار دادن قرآن، از منافع خود در مقابل تسنن دفاع می‌کنند. علویان در مباحثه‌ها و مناظرات از قرآن نیز دلیل و برهان می‌آورند. (قربانپور، ص. ۱۰۳) این مطلب در آثار ادبی علویان بکتاشی مطرح شده است و مانند سایر مسلمانان، در صحت نزول قرآن هیچ شک و تردید ندارد. برای مثال، ویرانی بابا می‌گوید: «این را بدان که رسول خدا از هوا و هوس خود حرفی نمی‌زند و هر چه گفته، در راستای دستورات خداوند بوده است.» او در این زمینه به آیه

چهارم سوره نجم اشاره می‌کند: «آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست» (Viranî Baba, 2008, s. 299) همچنین یمینی در فضیلت‌نامه خود چنین می‌گوید: «در آن لحظه، جبرئیل حاضر شد و با آن نزول وحی، به پیامبر شروع شد. حق به رسول خود سلام رساند و هر چه نیاز بود، به او ابلاغ کرد» (Yemini, 1995, II, s. 54)

در کتاب بویروک که روایات و سخنان آن منتسب به امام جعفر صادق علیه السلام است، در مورد نزول قرآن چنین آمده است: «خداوند متعال کتاب نازل کرد و راه حق را از باطل به طور کامل بیان کرد و فرمود: ای بندگان من، به راه شیطان نروید زیرا شیطان دشمن شماست. من راه راست را به طور کامل برای شما بیان کرده‌ام» (Aytekin, 1985, s. 209)

نیازی مصری در مورد نزول قرآن در آخر ماه رمضان اعتقاد بکتاشیان را این گونه توضیح داده است: «ای ماه نورانی، قرآن در تو نازل شد، در شب قدر، ای صاحب ارزش، تمام شد تحلیل و تکبیر» (Niyazî Mısırî Divanı, 1976, s. 183)

شاعر مشهور سید نسیمی در یکی از اشعارش به نزول چهار کتاب مقدس اشاره می‌کند و اقرار می‌کند که سه تای آن‌ها توسط قرآن منسوخ شده‌اند: «حق است که از طرف خداوند چهار کتاب آمده است. سه تای آن‌ها منسوخ شد، تو به قرآن عمل کن» (Kürkçüoğlu, 1985, s. 209)

پیر سلطان ابدال در مورد نزول قرآن و اتحاد پیامبر و حضرت علی علیه السلام چنین می‌گوید: «حال پیر سلطان خوش است در حال خنده، از کعبه شریف ندایی رسیده. با دستورات خداوند چهار کتاب نازل شد، خواننده محمد، نویسنده علی است» (Pir Sultan Abdal Hayatı ve Şiirleri, 1959, s. 161)

در اینجا توجه به کاتب وحی بودن حضرت علی علیه السلام نشان از اعتقاد آنان به اهمیت جایگاه امام دارد و اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله چه قدر به آن حضرت اعتماد داشته و مهمترین وظایف را به ایشان واگذار کرده بود. همچنین پیر سلطان ابدال در مورد نزول قرآن چنین می‌گوید: «بعضی می‌گفتند عیسی از آسمان آمد، ولی در اصل زبور به داود آمد، تورات به موسی، در سومی انجیل بود که به عیسی نازل شد. در چهارمی گفته شد رسول فرقان است که دریافت‌کننده وحی است» (Pir Sultan Abdal Hayatı ve Şiirleri, 1959, s. 288)

می‌توان به صراحت گفت علویان در نزول قرآن و نبوت پیامبر هیچ شک و شبهه‌ای ندارند و همان گونه که شیعه و اهل سنت معتقداند که قرآن به محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نازل شده است و حضرت علی علیه السلام مشاور و کاتب وحی است.

مصونیت قرآن از تحریف در منابع علویان و عمل نمودن به فرامین قرآن کریم

در ترکیه هیچ کس نگفته است که علویان بکتاشی قائل به تحریف قرآن هستند. شاید دلیل این امر رفتارهای شیوخ و بزرگان علویان بکتاشی است که در موارد مختلف به عدم تحریف قرآن اقرار کرده و مریدان خود را به درستی در این راستا هدایت کرده‌اند. برخی از آنان در منابع خود به صراحت بیان کرده‌اند که در مورد نزول قرآن به پیامبر و عدم تحریف قرآن هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. (Yeşilyurt, 2003, s. 26)

در اینجا نمونه‌هایی از سخنان بزرگان بکتاشی در این باره آورده می‌شود: ویرانی بابا آیات اول و دوم سوره بقره را شاهد مثال می‌آورد و برای اثبات عدم تحریف قرآن به آن آیات استدلال می‌کند. او می‌گوید: «قرآن کتابی است که هیچ شکی در صحت آن وجود ندارد و به دلیل عدم تحریف قرآن است که برای متقیان راه هدایت را نشان می‌دهد و این راه هدایت، بدون شک صراط مستقیم است.» (Viranî Baba, 2008, s. 1222)

عاشق پاشای ولی می‌گوید: «در زمین و آسمان کسی پیدا نمی‌شود که مانند قرآن کتابی را بنویسد. این کتاب دست‌نوشته مخلوق نیست، بلکه خالق است که می‌تواند چنین کتاب بی‌عیب و نقصی بنویسد.» (Aşık Paşa, s. 397)

فدایی بابا از شیوخ بکتاشی می‌گوید: «قرآن شش هزار و ششصد و شصت و شش آیه است،

کسی که آن را می‌خواند اهل علم است، البته.» (Çelebi, 1991, s. 36)

قرآن سی جزء است و صد و چهارده سوره و کسی از این کتاب چیزی را نه کم کرده است و نه اضافه.» (Çelebi, 1991, s. 36)

پیر سلطان ابدال نیز با توجه به عدم تحریف قرآن چنین سروده است: «جمال و زیبایی یارم در خورشید پیداست، کسی عاشقت شود به رنج می‌افتد. کلام الله را بیاور قسم بخوریم، نه تو مرا فراموش کن و نه من تو را.» (Özmen, 1995, II, s. 267)

در مورد عمل به قرآن

یکی از مسائل مهم در مورد قرآن، عمل به دستورات این کتاب مقدس است. هیچ مسلمانی نمی‌تواند ادعای اسلام راستین بکند مگر اینکه دستورات قرآن را در زندگی خود به کار گیرد. علویان بکتاشی نسبت به اجرای دستورات قرآن در زندگی فردی و اجتماعی خود تأکیدات فراوانی دارند. در این رابطه، شیوخ و بزرگان علویان بکتاشی با بیانات خود در اویش و طالبان را به علم با عمل سفارش کرده‌اند. شیخ صفی در کتاب بویروک خود چنین گفته است: «اگر علم را بخوانی و بدون

عمل از این دنیا بروی، مانند درختی خواهی بود که میوه نمی‌دهد و او را در شعله‌ور کردن جهنم به کار می‌گیرند.» (Özmen, 1995, II, s. 267)

اینجا علم بدون عمل همان‌طور که در احادیث متعدد آمده است، به درخت بی‌ثمر تشبیه شده است. همچنین در بین علویان بکتاشی، این حدیث از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «کسی که با علمش عمل نمی‌کند، مانند کسی است که نسبت به آن علم جاهل است و حتی بدتر از آن. زیرا در روز قیامت بر علیه او حجت اقامه می‌شود.» (Demircan, 2007, s. 119)

عاشق پاشای ولی می‌گوید: «خواندن قرآن پنج مرحله دارد: اولی حفظ قرآن، دومی دانستن معنای آیات، سومی دانستن سبب نزول آیات، چهارمی عمل کردن به آنچه که از قرآن یاد می‌گیریم و پنجمی قبولی آن اعمال از طرف خداوند متعال است.» (Aşık Paşa, s. 150-151)

این شیخ بکتاش عمل کردن به قرآن را شرط لازم در پیشگاه خداوند و تقرب به آن می‌داند. یکی دیگر از بزرگان علویان بکتاشی، احمد رفعت افندی، راه تکامل را در عمل کردن به قرآن می‌داند و می‌گوید: «تکامل از سه مرحله به وجود می‌آید: اولی دانستن، دومی پیدا کردن و سومی با دانسته‌های خود یکی شدن، یعنی به کار گرفتن آن‌ها. اگر بخواهیم این مسئله را به قرآن تطبیق دهیم، اول دستورات خداوند را بدانیم، دوم آن دستورات را عمل کنیم و سوم آن‌چنان تکرار کنیم که در روح ما ملکه شود.» (Rifat Efendi, s. 238)

یونس امره، شاعر نامدار تصوف، در مورد عمل کردن به قرآن و اهمیت آن چنین سروده است: «اگر صد سال قرآن را بخوانی تا وقتی که عمل نکنی، سودی به تو نرسد.» (Yunus Emre, s. 223) و در مورد جایگاه قرآن در اخلاق و رفتار ما چنین گفته است: «شب و روز قرآن را از دست نده و آداب‌ات را با قرآن تطبیق بده.» (Yunus Emre, s. 146)

بویروک به معنای فارسی آن فرمان است، کتابی است که هر پیر طریقت باید بنویسد. در این کتاب خصوصیات پیر طریقت، صوفی‌ها و طالبان بیان می‌شود. با این دستورات، به طالبان و پیروان تصوف چگونگی رفتار و کردار و روش پیمودن راه تصوف بیان شده است. یکی از این موارد در مورد قرآن است که می‌گوید: «اگر کسی قرآن را بخواند و به آن عمل نکند، سرش در روز قیامت لای سنگ‌های آسیاب له می‌شود.» (Aytekin, s. 147) همچنین می‌گوید: «نصیحت‌های دراویش باید مطابق قرآن باشد و اگر مطابق قرآن نباشد، هیچ ارزشی ندارد.» (Aytekin, s. 19) به همین دلیل، کسی که راهنمای معنوی و عرفانی مردم است، شرط اولش دانستن قرآن و عمل به آن است.

در دستورات امام صادق علیه السلام چنین آمده است: قرآن به جد من نازل شده است، ببینید در قرآن چه دستوراتی آمده است. بدون شک قرآن برای دانستن این سوالات است که چرا به این دنیا آمده‌ایم؟ فردا در روز قیامت مقابل خداوند چه جوابی خواهیم داشت؟ اگر حقوق طالبان از ما بازخواست شود، چگونه توضیح خواهیم داد؟» (Aytekin, s. 25)

تفسیر در میان علویان بکتاشی

مذاهب اسلامی با گرایش‌های متعدد و مختلف به وجود آمده‌اند. برخی از این گرایش‌ها فقهی هستند و به مذهب فقهی شهرت دارند، برخی دیگر اعتقادی هستند و به عنوان مذهب اعتقادی شناخته می‌شوند، و برخی مانند علویان بکتاشی با گرایش‌های تصوفی نمایان شده‌اند. نگرش مذاهب به قرآن به دلیل اختلاف گرایش‌هایشان تفاوت پیدا کرده است و علویان بکتاشی قرآن را با گرایش‌های تصوفی تفسیر کرده‌اند. یکی از معروف‌ترین تفاسیر آنها، تفسیر سوره فاتحه توسط حاج بکتاش ولی است. هرچند این گونه تفاسیر در بین بکتاشیان زیاد نیست، ولی آیات قرآن در آثار شیوخ علوی به وضوح نمایان است.

در تفاسیر مرسوم و متداول بین مفسران، معمولاً یک سیستم و روش خاص برای بیان هر آیه وجود دارد، به طوری که هر مفسر با روش و متد خاص خود، آیات را تفسیر می‌کند. اما این موضوع برای تفاسیر علویان بکتاشی صدق نمی‌کند، چرا که توجه آنها بیشتر به مسائل تصوفی، معرفتی و سیر و سلوک است و گاهی مطالب علمی در لابلای این توضیحات گنجانده می‌شود.

حاج بکتاش ولی در تفسیر سوره فاتحه خود، آیات را از جنبه تصوفی مورد توجه قرار داده و تفسیر باطنی آن را بیان کرده است. او در اثرش، تعداد کلمات سوره فاتحه و تعبیرات تصوفی مرتبط با حروف آن سوره را ویژگی اصلی تفسیر خود می‌داند. (Özcan, 2008, s. 22) و در ابتدای تفسیر خود، حادثه معراج پیامبر را نقل کرده و در مورد فاتحه حدیثی از پیامبر نقل می‌کند که: «خداوند به من دوتا نور عطا کرد که به هیچ پیامبری عطا نکرده است: اولی سوره فاتحه است و دومی سوره بقره.» همچنین او می‌گوید: «پایه و اساس آسمان‌ها بیت المعمور است، پایه و اساس زمین کعبه است، پایه و اساس جهنم حاویه است، پایه و اساس پرواز کردن بهشت است و پایه و اساس همه کتاب‌ها قرآن است و سوره فاتحه پایه و اساس قرآن است. پس هر کس سوره فاتحه را درست متوجه شود، در اصل تورات، انجیل و زبور را متوجه شده است.» (Özcan, 2008, s. 74)

75)

حاج بکتاش ولی در مورد فضیلت سوره فاتحه می‌گوید: «سوره فاتحه هفت آیه دارد و هر کس آن را بخواند از هفت طبقه جهنم نجات پیدا می‌کند. به همین دلیل وقتی سوره فاتحه نازل شد،

شیطان عزادار شد و خیلی گریه کرد. سربازان شیطان از او دلیل گریه‌اش را پرسیدند و او در جواب گفت: امروز به پیامبر سوره فاتحه نازل شده است و امت پیامبر با خواندن این سوره وارد بهشت خواهند شد و من نمی‌توانم مانع ورود آنها به بهشت شوم، به همین دلیل گریه می‌کنم. (Özcan, 2008, s. 69)

به همین دلیل، در همه مراسمات علویان بکتاشی، سوره فاتحه جایگاه ویژه‌ای دارد و آنها به این باورند که قرآن در سوره فاتحه خلاصه شده است. در یکی از تفاسیر تصوفی آمده است که سوره فاتحه ۷ نام دارد و صورت انسان هفت خط دارد، و این به این دلیل است که بعد از سوره فاتحه، دست‌های مان را به صورت‌های ما نمی‌کشیم. همچنین گفته می‌شود که سوره فاتحه هفت حرف ندارد، که اشاره‌ای به زن است که هفت خط مردانگی را ندارد. به همین دلیل، سوره فاتحه «ام الکتاب» (مادر کتاب‌ها) گفته شده است. (Gölpınarlı, 1973, s. 18-19)

در این راستا، حاج بکتاش ولی حکایتی نقل می‌کند: «قیصر روم به معاویه نامه‌ای می‌نویسد و از او می‌پرسد که در کدام سوره، از هفت حرف استفاده نشده است؟ معاویه در جواب این سوال عاجز می‌ماند و به حضور حضرت علی علیه السلام می‌رود و از او پاسخ می‌خواهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: سوره فاتحه است. حروفی که در آن سوره نیستند عبارتند از:

حرف "ث" که اشاره به یکی از اسامی جهنم (ثبور) دارد. حرف "ج" که اشاره به جهنم است. حرف "ه" که اشاره به آتش‌هاویه دارد. حرف "ز" که اشاره به میوه زقوم است. حرف "ش" که اشاره به شرک دارد. حرف "ظ" که اشاره به لظا (آتش جهنم) است. حرف "ف" که اشاره به فراق (جدایی) دارد. (Özcan, 2008, s. 70)

در کنار این تفسیر، حاج بکتاش ولی تفسیر «بسم الله» را نیز دارد. او در تفسیر «بسم الله» فواید ذکر این عبارت را بیان کرده و فضایل آن را از حدیث پیامبر نقل می‌کند: «خداوند به پیامبر فرمود: ای احمد صلی الله علیه و آله چهار کتاب آسمانی را جمع کرده‌ام و داخل سوره فاتحه گذاشتم، و هر آنچه در سوره فاتحه هست، داخل «بسم الله» قرار داده‌ام. هر کس از امت تو «بسم الله» را یک بار با اخلاص و ایمان بگوید، ثواب کسی را می‌گیرد که چهار کتاب آسمانی را خوانده و با آنها عبادت کرده است. (Duran, 2009, s. 97)

در عصر حاضر، برخی از بزرگان علوی بکتاشی کتاب‌هایی مانند سوره‌های کوتاه چاپ کرده‌اند و برای سهولت در خواندن، متن عربی سوره‌ها را به زبان لاتینی نوشته‌اند. یکی از این بزرگان، "فتحی اردوغان" است. همچنین "بدری نویان" آیات قرآن را به شکل منظوم درآورده و در ابتدای کتاب، اطلاعاتی در مورد تفسیر و معنای باطنی آیات ارائه کرده است. (Noyan, 1991, s. 7)

(55) "عادل علی" نیز معنای قرآن را به شکل شعر درآورده و توضیحات مختصری در مورد آیات داده است.

توجه علویان بکتاشی به معنای باطنی قرآن در منابع و بیانات بزرگان آنها به طور شفاف به چشم می‌خورد. این نگرش ممکن است به این دلیل باشد که محقق بزرگ شیعه، "عبدالباقی گلپزلری"، آنها را یک فرقه باطنی می‌داند. در "مناقب حاجی بکتاش ولی" آمده است که روزی یکی از شاگردان حاجی بکتاش به نام "لقمان پرنده" نزد او آمد. پیش از وارد شدن او، دو نفر در سمت راست و چپ او نشسته بودند که با ورود لقمان ناپدید شدند. لقمان از حاجی بکتاش در مورد این حکمت پرسید و او جواب داد که یکی از این دو نفر، رسول خدا و دیگری امیرالمؤمنین بودند. رسول خدا ظاهر قرآن را به او آموخت و امیرالمؤمنین باطن قرآن را. (Gölpınarlı, 1958, s. 5)

به نظر علویان بکتاشی، آنچه مطابق با قوانین ادبی و شریعت دین است، ظاهر قرآن است. اما معنای باطنی قرآن، اهداف مقدسی است که خداوند در پی تحقق آنها است. بدون شک، مقامات معنوی و مکاشفات عرفانی جزء این اهداف هستند و تنها عرفا و دراویش قادر به درک آنها هستند. به همین دلیل، ظاهر قرآن در مقابل باطن آن مانند پوست گردو در مقابل مغز آن است. (Öztürk, 2003, s. 65) در ادامه، به برخی نمونه‌های تفسیر باطنی اشاره می‌شود: ویرانی بابا در تفسیر آیه ۳۴ سوره اعراف که تهدید برای تکذیب‌کنندگان آیات خداوند است، می‌گوید که مقصود از آیات خداوند، نبوت پیامبر و ولایت علی است. او می‌افزاید که هر کسی شهادتین بگوید ولی به آن آگاه نباشد، اهل جهنم است. (Viranî Baba, s. 103)

در آیه ۱۰ سوره فتح که می‌فرماید: "هر که با تو بیعت کند، مانند کسی است که با خدا بیعت کرده است." (48/10)، ویرانی بابا می‌گوید که بیعت در اینجا با مرشد کامل است. (Noyan, 1996, s. 201-202)

در سوره اعراف، آیه ۱۷۹، که به کسانی اشاره دارد که چشم دارند و نمی‌بینند و گوش دارند و نمی‌شنوند، او می‌گوید که این افراد کسانی هستند که وارد طریقت می‌شوند، ولی از رسیدن به کمال عقب می‌مانند.

در سوره اسراء، که بیان می‌کند افرادی که در دنیا کور هستند در آخرت نیز کور محسور خواهند شد، اشاره به چهار درب و چهل مقام است. به این معنا که هر کس در این دنیا شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت را نبیند، در آخرت نیز نخواهد دید و کور محسور خواهد شد. (Viranî Baba, s. 103)

در کتاب "فرمان امام صادق"، آیه ۷۹ سوره احزاب که از عرض امانت نسبت به انسان سخن می‌گوید، گفته شده که مقصود از امانت، دست، پا، گوش، چشم، زبان و شهوت است. این‌ها امانت‌های الهی هستند که اگر مراقبت نشوند، باعث بروز اخلاق رذیله خواهند شد. این‌ها تنها برخی از نمونه‌های تفسیر باطنی قرآن از دیدگاه علویان بکتاشی هستند و می‌توان به این موارد، نمونه‌های بیشتری اضافه کرد.

نتیجه

با بررسی نگرش تاریخی علویان بکتاشی به قرآن، به وضوح می‌توان یافت که علی رغم تبلیغات سوء و تحریف‌های متعدد علیه علویان و بکتاشیان، آنها جزء مذاهب اسلامی و داخل قلمرو دین مبین اسلام هستند. زیرا توجه و محبت آنها به قرآن هم در کلمات بزرگان‌شان و هم در منابع اصیل بکتاشی اعم از تاریخی و دینی، آشکار است. به راحتی می‌توان گفت متون مراسمات دینی و مذهبی، شعر و منظومه‌ها، نصایح و موعظه‌های شیوخ علویان بکتاشی علی‌الخصوص حاج بکتاش ولی، پر است از آیات قرآن کریم به طوری که یا خود آیات را شرح و تفسیر کرده‌اند و یا آیه‌ای را به عنوان شاهد مثال ذکر کرده‌اند. با توجه به این می‌توان نتیجه گرفت که در تاریخ علویان بکتاشی ترکیه هر چند گرایش شدید به تصوف و باطنی‌گری دارند ولی مانند بقیه طریقت‌های تصوفی، مسلمان هستند و به قرآن احترام زیادی می‌گذارند و شرط مسلمانی را عمل به دستورات آن کتاب مقدس می‌دانند. همانطور که در کتاب‌های علویان اشاره شده است، علویان به قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام تعلق خاطر دارند و عمل به قرآن را وظیفه‌ای شریعتی و طریقتی خود می‌دانند.

منابع

منابع ترکی

1. Ağa, Ali Varlık (1997), *Alevî Bektaşîliğın Dayanakları*, Can Yayınları.
2. Aytekin, Sefer (No date), *İmam Cafer-i Sadık Buyruğu*, Emek Yayınevi, Ankara.
3. Bozaçlı, Mahmut (2006), *Alevî-Bektaşî Nefeslerinde Dini Muhteva*, Horasan Yayınları, İstanbul.
4. Bozkurt, Fuat (1982), *Buyruk*, Hazırlayan: Fuat Bozkurt, İstanbul.
5. Çelebi, Abdullah (1991), *Amasyalı Fedayî Baba Divanı*, Can Yayıncılık, İstanbul.
6. Demircan, Adnan (2007), *Hız. Ali, Nehcü'l-Belâğa*, Beyan Yayınları, İstanbul.
7. Duran, Hamiye (2009), *Hacı Bektaş-ı Veli, Besmele Tefsiri*, TDV Yayınları, Ankara.

8. Efendi, A. Rifat (2007), *Gerçek Bektaşilik*, (haz. Salih Çift), İz Yayıncılık, İstanbul.
9. Eğri, Osman (2003), *Yaygın Din Eğitimi Açısından Bektaşilik*, Horasan Yayınları, İstanbul.
10. Eğri, Osman (2008), *Viranî Baba, İlm-i Câvidân*, TDV Yayınları, Ankara.
11. Emre, Yunus (1954), *Yunus Emre Divanı*, Maarif Kütüphanesi, İstanbul.
12. Erbay, Mustafa (1994), *Şeyh Safî Buyruğu*, Ayyıldız Yayınları, Ankara.
13. Fehmi, Hasan (1927), *Otman Baba Velayetnamesi*, Türk Yurdu, C. 19-5 (Mart 1927), S. 188-27.
14. Fıglalı, Ethem Ruhi (2004), *Çağımızda İtikadi İslam Mezhepleri*, İzmir İlahiyat Vakfı Yayınları, İzmir.
15. Gölpınarlı, Abdülbaki (1958), *Menakıb-ı Hacı Bektaş-ı Veli (Vilayetname)*, İnkılâp Kitabevi, İstanbul.
16. Gölpınarlı, Abdülbaki (1992), *Alevî Bektaşî Nefesleri*, İnkılâp Kitabevi, İstanbul.
17. Güzel, Abdurrahman (1999), *Kaygusuz Abdal Menakıbnamesi*, Türk Tarih Kurumu, Ankara.
18. Hata'i, Şah İsmail (2006), *Şah İsmail Hata'i Külliyyatı*, Kaknüs Yayınları, İstanbul.
19. Korkmaz, Esat (1994), *Pir Sultan Abdal Divanı*, Ant Yayınları, İstanbul.
20. Kürkçüoğlu, Kemal Edib (1985), *Seyyid Nesimî Divanı'ndan Seçmeler*, Kültür ve Turizm Bakanlığı, Ankara, s. 209.
21. Mısıri, Niyazî (1976), *Niyazî Mısıri Divanı*, Sağlam Kitabevi, İstanbul.
22. Müstakimzade, Süleyman (1981), *Hazreti Ali Divanı*, Ana Yayınları, İstanbul.
23. Noyan, Bedri (1976), *Demir Baba Vilayetnamesi*, Can Yayıncılık, İstanbul.
24. Noyan, Bedri (1991), *Anadilimizle Manzum Kur'an-ı Kerim*, Ayyıldız Yayınları, Ankara.
25. Noyan, Bedri (1996), *Veli Baba Menakıbnamesi*, Can Yayınları, İstanbul.
26. Noyan, Bedri (1998), *Âşık Paşa-yı Veli, Garibname*, (çev. Bedri Noyan), Ardıç Yayınları, Ankara.
27. Özcan, Hüseyin (2008), *Hacı Bektaş-ı Veli, Fatıha Tefsiri*, Neşredenin Girişi, Horasan Yayınları, İstanbul.

28. Özmen, İsmail (1995), *Alevî-Bektaşî Şiirleri Antolojisi*, Saypa Yayın-Dağıtım, Ankara.
29. Öztürk, Mustafa (2003), *Alevîlerin Kur'an Tasavvuru Üzerine*, İslamiyat VI, S. 3, ss. 55-70, s. 65.
30. Pir Sultan Abdal (1959), *Pir Sultan Abdal Hayatı ve Şiirleri*, İstanbul Maarif Kütüphanesi, İstanbul.
31. Sofuoğlu, Cemal & İlhan, Avni (2005), *Alevîlik Bektaşîlik Tartışmaları*, TDV Yayınları, Ankara.
32. Sönmez, Kutlu (2008), *Alevîlik-Bektaşîlik Yazıları*, Ankara Okulu Yayınları, Ankara.
33. Uluçay, Ömer (1996), *Alevîlikte Dua*, Gözde Yayınevi, Adana.
34. Üzümlü, İlyas (2002), *Günümüz Alevîliği*, İsam Yayınları, Kültürel Kaynaklarına Göre Alevîlik, Horasan Yayınları, İstanbul.
35. Üzümlü, İlyas (2007), *Tarihsel ve Kültürel Boyutlarıyla Alevîlik*, İsam Yayınları, İstanbul.
36. Yaman, Mehmet (1993), *Alevilik*, Can Yayınları, İstanbul.
37. Yaşar, Ahmet Ocak (No date). *Bektaşîlik*, TDV İslam Ansiklopedisi.
38. Yeşilyurt, Temel (2003), *Alevî-Bektaşîliğin İnanç Boyutu*, İslamiyat VI, S. 3, ss: 13-30.

منابع فارسی

۳۹. دونمز، نوری (۱۳۸۹)، *علویان ترکیه*، قم، نشر دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۰. قادری، فاضل (۱۳۹۴)، *علویان در ترازو (نگاهی به علویان ترکیه)*، تحقیق سازمانی، قم، بانک اسناد علمی جامعه المصطفی.
۴۱. قربانپور دلاور، محمد (۱۳۹۹)، *رساله دکتری "علویان بالکان (تاریخ، عقاید، فرهنگ و ظرفیتهای تعامل با امامیه)"*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.